

شهرانگیز در آسیای صغیر و شهرانگیز استانبول از صافی تنها شهرانگیز شناخته شده فارسی در آن قلمرو

مهدی رحیم پور ، رقیه بایرام حقیقی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۵ (صفحه ۶۹-۹۴)

چکیده: یکی از مهم ترین انواع ادبی در تاریخ ادبیات، شهرانگیز و شهرآشوب است و در طول تاریخ، آثار زیادی اغلب به صورت منظوم در این نوع ادبی پدید آمده است. از ویژگی های مهم این نوع ادبی آن است که علاوه بر زبان فارسی، در زبان های عربی، ترکی و اردو هم وجود دارد و حتی باعث شده ادعاهایی مبنی بر قدمت شهرانگیز در زبانی نسبت به زبان های دیگر، به ویژه از طرف محققان ترک، وجود داشته باشد. صرف نظر از این موضوع، شهرآشوب یا به تعبیر خودشان «شهرانگیز» در زبان ترکی بسیار جدی تر از سایر زبان هاست و تحقیقات زیادی در خصوص این نوع ادبی صورت گرفته است. محققان ترک زبان ادعا دارند این نوع ادبی اختصاص به زبان ترکی دارد و ایرانیان پارسی گو آن را از ترک ها به ارث برده اند. آنچه به موضوع این مقاله مربوط می شود، در اصل وجود شهرانگیز فارسی در

* استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی (mahdi_rahimpoor@yahoo.com)

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران (rbhaghghi@yahoo.com)

آسیای صغیر، آن هم در بین چندین شهرانگیز ترکی است. نگارندگان در این مقاله، ابتدا به صورت اجمالی و بر پایه تحقیقات محققان ترک، به بررسی شهرانگیزسرای در ادب ترکی پرداخته، سپس شهرانگیز استانبول سروده شاعری به نام صافی را، که تاکنون تنها شهرانگیز شناخته شده فارسی است و نسخه کامل آن در یکی از کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود، معرفی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شهرانگیز، ترکی، فارسی، آسیای صغیر، صافی.

۱ مقدمه

شهرانگیز و شهرآشوب یکی از انواع ادبی مهم در تاریخ ادب فارسی است و در طول تاریخ آثار زیادی اغلب به صورت منظوم در این نوع ادبی پدید آمده است. پیش‌تر، شهرآشوب و شهرانگیز، به لحاظ موضوع و محتوا، به دو شکل مختلف ظهور و بروز داشت؛ از یک سو، به شعری گفته می‌شد که در مدح یا قده یک شهر و اهالی آن بود و در محتوای آن جز هجو و هزل یا مدح و ستایش چیز دیگری دیده نمی‌شد؛ از سوی دیگر، شعری که به توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرفه و صنعت اهالی آن شهر می‌پرداخت نیز ذیل این دو اصطلاح گنجانده می‌شد (گلچین معانی ۱۳۸۰: ۲-۳). قدیم‌ترین شاعری که ظاهراً این نوع ادبی در بین اشعار او دیده می‌شود، مسعود سعد سلمان است، که در قالب بیش از نود قطعه به ذکر نام و توصیف چند شغل و پیشه پرداخته است (← مسعود سعد سلمان ۱۳۹۰: ۶۵۱-۶۶۷). گلچین معانی بر اساس برخی منابع که عمدتاً فرهنگ‌های فارسی را شامل می‌شود، چند ترکیب دیگر را در معنی و مفهوم همین شهرانگیز و شهرآشوب نام برده که عبارت است از: دهرآشوب، جهان‌آشوب، عالم‌کوب، عالم‌آشوب و فلک‌آشوب (گلچین معانی ۱۳۸۰: ۳). البته امروزه برخی محققان (← شفیعیون ۱۳۹۴: ۹۲-۹۸)^۱ بین شهرانگیز، شهرآشوب، اشعار صنفی و

۱. علی نصرتی سیاهمزی (۱۳۸۶: ۲۹) هم ظاهراً متوجه تفاوت‌های موجود در محتوای شهرآشوب‌ها شده و قائل به سه نوع شهرآشوب است: (۱) شهری (در نکوهش یا ستایش مردم یک شهر)؛ (۲) درباری (در وصف پادشاهان و مطربان و خلوتیان و دیگر درباریان)؛ (۳) صنفی (در وصف عاشقانه بازاریان، صنعتگران و به‌طور کلی مشاغل اجتماعی). در بین اینها شهرآشوب درباری جای تأمل دارد و گنجانیدن وصف پادشاهان اعم از ستایش و نکوهش، در ذیل شهرآشوب خالی از اشکال نیست. با این حال، مقاله سیاهمزی از مقاله‌های جالب توجه در خصوص شهرآشوب‌هاست.

کارنامه تفاوت‌هایی قائل‌اند و معتقدند به کارگیری اصطلاحات مذکور به جای یکدیگر، به‌ویژه شهرانگیز و شهرآشوب، تسامحی است که از جانب قدما صورت گرفته و تا دوره معاصر نیز ادامه داشته است. بر اساس این تفکیک، شهرآشوب عبارت است از شعر یا نثری که نویسنده، به قصد هجو یا تمسخر، اهالی شهری را در قالب اصناف و طبقات، همراه با ذکر نامشان، وصف کند؛ اما شهرانگیز عبارت است از شعر یا نثری که گوینده در آن، ضمن معرفی شهری که موفق به دیدن آن شده، به منظور ایجاد انگیزه در مخاطبان برای دیدن آن شهر، توصیفی دقیق از پیشه‌های رایج در زمان خود، همراه با خلق تصاویر هنری از معشوق، ارائه می‌دهد.^۱ با این تعریف، ظاهراً شهرآشوب قدیمی‌تر از شهرانگیز است و در واقع قدیم‌ترین شهرانگیز شناخته شده در زبان فارسی مربوط به وحیدی تبریزی است که سام میرزا صفوی (۱۳۸۴: ۲۲۷) بدان اشاره کرده است.

شهرانگیز یا شهرآشوب، علاوه بر زبان فارسی، در زبان‌های عربی، ترکی و اردو هم موجود است و از این حیث ادعاهایی مبنی بر قدمت شهرانگیز در زبانی نسبت به سایر زبان‌ها، به‌ویژه از طرف محققان ترک، وجود دارد (ادامه مقاله). درباره وجود این نوع ادبی در زبان‌های فارسی و ترکی بحث خواهیم کرد؛ اما در مورد وجود شهرانگیز و شهرآشوب در زبان عربی، محمدجعفر محبوب (۱۳۴۵: ۶۷۸) با اینکه به نقل از یتیم‌الدهر ثعالبی و نیز تتمه‌الیتیمه به نمونه‌هایی اشاره می‌کند (البته بیشتر به عنوان اشعاری که در آن اهل یک شهر را ستایش یا نکوهش می‌کردند)، در جای دیگر (همان: ۶۸۲) احتمال داده این نوع شعر (شهرآشوب و شهرانگیز، دست‌کم با این حالت و کیفیت) در زبان و یا ادبیات عربی وجود نداشته باشد. اما در زبان اردو نمونه‌هایی از این نوع ادبی دیده شده که عمدتاً سیدعبدالله در کتاب مباحث بدان اشاره و نمونه‌هایی را معرفی کرده است (سید عبدالله ۱۹۶۸م: ۲۶۰-۲۸۶؛ مقام حسین جعفری ۱۹۷۶م: ۸۷-۱۳۱). این محققان، به دلیل حضور مسعود سعد سلمان در لاهور، بر این باورند که خاستگاه شهرآشوب سرزمین هند بوده و از این رو تحلیل‌های خود

۱. نویسنده، در کنار این دو اصطلاح، به تعریف دو مفهوم کارنامه و اشعار صنفی نیز پرداخته که علاقه‌مندان می‌توانند به آن مقاله مراجعه کنند.

را بر این دیدگاه استوار داشته‌اند. محبوب به چند مورد از شهرآشوب‌های مربوط به زبان اردو اشاره کرده است (← محبوب ۱۳۴۵: ۶۹۵-۶۹۶).

اما شهرآشوب، یا به تعبیر خودشان شهرانگیز، در زبان ترکی بسیار جدی‌تر است و همچنان که اشاره شد، محققان ترک‌زبان ادعا دارند این نوع ادبی اختصاص به زبان ترکی دارد و ایرانیان پارسی‌گو آن را از ترک‌ها به ارث برده‌اند. البته در این ادعا، گیب هم با آنها هم‌صدا و چه بسا از طراحان اصلی این ادعاست. وی در تاریخ شعر عثمانی ادعا می‌کند، شهرانگیز از اختراعات عثمانیان است و در ادب فارسی این نوع شعر وجود ندارد (Gibb 1902: 2/ 232). اما براون، در رده‌نظر گیب، به نمونه‌هایی از وجود شهرانگیز و شهرآشوب در زبان فارسی اشاره کرده و معتقد است دلیلی در دست نیست که رواج شهرانگیز را در ایران طرزی نو قلمداد کنیم، حتی اگر نمونه‌های یافت‌شده در ادب ترکی قبل از وجود شهرانگیز در ادب فارسی بوده باشد (براون ۱۳۲۹: ۱۸۰-۱۸۱). البته گیب در ادعای خود تنها نیست و محققان دیگری نیز چنین ادعایی دارند؛ از جمله عبدالقادر قره‌خان (۱۳۵۴: ۶۷۴)، ضمن اشاره به شهرانگیز/درنه، سروده مسیحی، که تاکنون اولین شهرانگیز شناخته‌شده ترکی به حساب می‌آید، بر این باور است که ایرانی‌ها بعد از ترک‌ها به این نوع ادبی پرداخته‌اند. با وجود این، کسانی چون میکله برناردینی برآن‌اند که نویسندگان عثمانی در موارد متعددی از ایرانیان تأثیر گرفته‌اند که شهرانگیز نیز از این نوع است (برناردینی ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷)^۱.

باری، از چپستی و سابقه سروده شدن شهرانگیز و شهرآشوب که بگذریم، آنچه به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، وجود شهرانگیز فارسی در آسیای صغیر، آن‌هم در بین چندین شهرانگیز ترکی است. به نظر می‌رسد نویسندگان و شاعران عثمانی علاقه چندانی به

۱. محققان تاجیک نیز ادعای تقلید شعری فارسی‌گوی ماوراءالنهر از شهرانگیزهای ترکی را با قاطعیت رد می‌کنند؛ مثلاً عبدالغنی میرزایف، در کتاب خود با عنوان *سیدا و مقام او در تاریخ ادبیات تاجیک* (۱۹۴۷م)، احتمال تأثیر گرفتن سیدا در شهرآشوب خود از شهرانگیز نسفی را مردود می‌داند و بر این باور است که در زمان حیات سیدا، مناسبات ادبی و سیاسی مابین آسیای صغیر و ماوراءالنهر وجود نداشته که سیدا بخواهد از مسیحی تأثیر بگیرد. از طرفی مسیحی فقط در یک وزن و قافیه شهرانگیز سروده، اما سیدا روش دیگری در پیش گرفته و شهرآشوب خود را در چند وزن و قافیه سروده است (برای تفصیل ← میرزایف ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۳).

سرودن شهرانگیز فارسی نداشتند و یافت شدن حتی یک نمونه از این نوع شعر به زبان فارسی در آن سرزمین مغتنم است. نگارندگان در این مقاله ابتدا به صورت اجمالی و بر پایه تحقیقات محققان ترک، به بررسی شهرانگیزسرایبی در ادب ترکی پرداخته‌اند، سپس *شهرانگیز استانبول* سروده شاعری به نام صافی را، که تاکنون تنها شهرانگیز شناخته‌شده فارسی است و نسخه کامل آن در یکی از کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود (حسینی ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۹۱)، معرفی کرده‌اند.

۱-۱ پیشینه پژوهش

درباره شهرانگیز و شهرآشوب به زبان فارسی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. از بین آنها می‌توان به نوشته محمدجعفر محجوب اشاره کرد که در انتهای کتاب *سبک خراسانی در شعر فارسی* به این موضوع پرداخته است (← محجوب ۱۳۴۵: ۶۱۲-۶۱۴ و ۶۷۷-۶۹۹). همچنین احمد گلچین معانی در سال ۱۳۴۴ کتابی مستقل با عنوان *شهرآشوب در شعر فارسی* نگاشت و سال‌ها بعد (۱۳۸۰) صورت تکمیل‌شده پژوهش مذکور به همت پرویز گلچین معانی منتشر شد. پژوهش مستقل دیگری که در این حوزه می‌توان بدان اشاره کرد کتاب *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، نوشته مهدی کیوانی است که در سال ۱۹۸۲م به زبان انگلیسی در برلین انتشار یافت و در سال ۱۳۹۲ به فارسی ترجمه شد. در کنار این پژوهش‌ها، می‌توان از دو مقاله هم یاد کرد: یکی مقاله «درنگی بر چند گونه هم‌سنگ»، نوشته سعید شفیعیون که پیش‌تر از آن یاد کردیم. این مقاله بر تفکیک محتوایی چهار نوع از اشعار صنفی تمرکز دارد و نویسنده در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که این نوع شعر به لحاظ محتوایی به چهار نوع شهرآشوب، اشعار صنفی، شهرانگیز و کارنامه قابل تقسیم‌بندی است. این مقاله، که در *فصلنامه نقد ادبی* (س ۸، ش ۳۰، تابستان ۱۳۹۴: ص ۸۱-۱۱۷) چاپ شده، از مقاله‌های تحقیقی ارزشمند در این موضوع محسوب می‌شود؛ و دیگری مقاله «شهرآشوب» علی نصرتی سیاهمزیگی (۱۳۸۶: ۲۸-۳۳) است که در نوع خود قابل توجه است. این پژوهش از اولین کوشش‌هایی به شمار می‌رود که در بررسی علمی این نوع ادبی

صورت گرفته و در آن، اصرار نویسندگان بر جدا کردن انواع شهرآشوب نشان می‌دهد که او نیز متوجه برخی تفاوت‌ها شده است؛ اگرچه در ارائه تحلیل‌ها و تعیین مرز بین انواع شهرآشوب بررسی دقیق‌تر و بیشتری را می‌طلبد. سایر آثار مربوط به این حوزه اغلب بر اساس پژوهش گلچین معانی نوشته شده و حتی در مقالاتی که در آنها یک یا چند شهرآشوب منتشر شده، از همان منبع پیشین استفاده شده است و حرف تازه‌ای ندارند.

در زمینه شهرانگیز در قلمرو جغرافیایی و ادبی آسیای صغیر، که از موضوعات مورد توجه محققان آن دیار است، کتاب‌ها و مقالات مفصلی نوشته شده؛ از جمله کتاب *Şhrensiz*، چالیش^۱، که انتشارات راتلج^۲ آن را در ۲۰۱۶م منتشر کرده است. این کتاب، همچنان‌که از عنوان آن نیز برمی‌آید، به طور عمده به شهرانگیز و رابطه آن با عرفان اسلامی اختصاص دارد و از نظر نویسنده، در شهرانگیز نوعی انحراف از عرفان اصیل به وجود آمده است.^۳

همچنین، مقاله‌ای با عنوان «*Türk Edebiyatında Şhrensizler ve Şhrensizlerde*» به قلم آگاه سرّی لوند^۴ در سال ۱۹۵۶م نوشته شده، که از مقاله‌های مهم در این موضوع است و اغلب نویسندگان ترک از این مقاله استفاده کرده‌اند. مدخل شهرانگیز^۵ در جلد ۳۸ دایرةالمعارف/سلام^۶ نوشته بایرام علی کایا^۷ دیگر پژوهش جالب توجه در این موضوع است. همچنین مقاله‌ای به قلم عدنان کارا اسماعیل اوغلو^۸ در مجله *Millet Kültür* (شماره ۶۲، ۱۹۸۸م، ص ۵۵-۵۸) با عنوان «*Türk ve Fars Edebiyatlarında Şehr-engizler*»^۹ نوشته شده که مقایسه‌ای است بین شهرانگیزهای ترکی و فارسی؛ همچنین بحثی را در خصوص اینکه اولین بار در کدام ادبیات (ترکی یا فارسی) این نوع ادبی آغاز شده در این مقاله مطرح کرده

1. Bahar Deniz Çalıs

2. Routledge

۳. این کتاب در اصل رساله دکتری بهار دینیز چالیش است که در سال ۲۰۰۴م با عنوان *Ideal and Real Spaces of Ottoman Imagination: Continuity and Change in Ottoman Rituals of Poetry* در دانشگاه فنی خاورمیانه (آنکارا) در رشته فلسفه از آن دفاع کرده است.

۴. شهرانگیز در ادبیات ترکی و شهرانگیز استانبول.

5. Agah Sirri Levend

6. Şhrensiz

7. *İslam Ansiklopedisi*

8. Bayram Ali Kaya

9. Karaismailođlu

۱۰. شهرانگیزها در ادبیات فارسی و ترکی.

است. با اینکه مؤلف وانمود به بی‌طرفی می‌کند، اما علاقه‌مند است شعرای ترک‌زبان را آغازگران این نوع ادبی بداند. با این حال، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این نوع ادبی در دو ادبیات ترکی و فارسی از نکات جالب توجه مقاله است (همچنین ← . TEZCAN 2001: 162-163; Çiğci 2002: 10). باریش کاراجاسو^۱ از دیگر محققانی است که مقاله‌ای مفصل و قابل توجه با عنوان «Türk Edebiyatında Şehregizler»^۲ در سال ۲۰۰۷ در این زمینه نوشته و در واقع، ضمن معرفی برخی از شهرانگیزهای مهم و تهیة فهرستی توصیفی از آنها، چاپ‌های مختلف این نوع ادبی در ترکیه را نیز برشمرده است. این مقاله در واقع کتاب‌شناسی مختصری است از شهرانگیز در ادبیات ترکی. جز این پژوهش‌ها، پژوهش‌های متعدد دیگری نیز در ترکیه صورت گرفته، که اغلب، به انضمام یکی از شهرانگیزها، در قالب مقدمه‌ای مفصل به زبان ترکی به چاپ رسیده‌اند و تقریباً همه آنها از مقاله لوند به طور مستقیم استفاده کرده‌اند. اما در مورد شهرانگیز استانبول، سروده صافی— که موضوع اصلی این مقاله است— تنها یک مقاله به زبان آلمانی در مجله مطالعات آسیایی^۳، که در دانشگاه بازل سوئیس منتشر می‌شد، به قلم میشل گلونز^۴ نوشته شده است (Glünz 1986: 133-145) →. گلونز، در این مقاله، ضمن معرفی اجمالی اثر، به تحلیل آن عمدتاً از جنبه روان‌شناختی پرداخته و به‌نوعی سعی کرده بین موضوع شهرانگیز و اروتیک^۵ ارتباط ایجاد کند. آنچه از این مقاله برای نگارندگان مقاله حاضر اهمیت دارد، اشاره نویسنده به نسخه دیگری از شهرانگیز استانبول صافی است که در کتابخانه دانشگاه بازل نگهداری می‌شود و ظاهراً ناقص است (ibid:136) →. جز این مقاله نوشته مستقل دیگری در مورد شهرانگیز استانبول نیافتیم و هرچه هست اشاره‌های برخی محققان ترکیه به اسم این مثنوی، در ضمن معرفی فهرست‌وار «شهرانگیز» هاست. در ادامه، ابتدا بحث کوتاهی راجع به شهرانگیز در ادبیات ترکی خواهیم داشت، سپس به شهرانگیز استانبول صافی می‌پردازیم.

۲ شهرانگیز در آسیای صغیر

شهرانگیز، که در ادبیات ترکی اغلب با همین عنوان به کار می‌رود، در بین محققان ترک

1. Baris Karacasu

۲. شهرانگیزها در ادبیات ترکی.

3. Études asiatiques

4. Michael Glünz

5. erotic

بسیار مورد توجه بوده و پژوهش‌های مفصلی بر روی آن انجام شده است. اغلب آنها هم، به دلیل مشخص بودن ساختار شهرانگیز و تقریباً یکدست بودن شکل آن در همه شهرانگیزها و اشتراک موضوع و محتوای اغلب آنها، تعریف روشن‌تر و واضح‌تر و دقیق‌تری ارائه داده‌اند.

تعریف و موضوع شهرانگیز در نزد محققان ترک عبارت است از شعری که در آن وصف زیبارویان شهری خاص، همراه با ذکر مشاغل و طبقه اجتماعی آنان، اغلب در قالب مثنوی، به تصویر کشیده می‌شود (LEVEND 1954: 13; KAYA 2010: 461)^۱. محققان ترک شهرانگیز را، به لحاظ ساختار و محتوا، به سه دسته تقسیم می‌کنند: (۱) شعری که در وصف معشوقی واحد و توصیف زیبایی‌های او و حسب حال او به سبک سرگذشت‌نامه سروده شده و در کنار وصف معشوق به زیبایی‌های شهری که معشوق در آن سکونت دارد نیز پرداخته شده است. *شهرانگیز استانبول* و *ویزه*، که کاتب چورلو در ۹۱۹ق آن را سروده، از این دسته است؛ (۲) دسته دوم شهرانگیزهایی است که در آن زیبایی‌های زیبارویان و نیز بعضی شخصیت‌ها و صاحبان اصناف و مشاغل آنها به تصویر کشیده شده است. *شهرانگیز ادرنه*، از مسیحی ادرنه‌ای (۹۱۸ق)، و *شهرانگیز بورسا*، از اسماعیل بلیغ (۱۱۱۹ق)، و نیز «چنگ‌نامه و زنان‌نامه» فاضل اندرونلو (۱۲۰۷ق) از این قسم‌اند؛ (۳) شهرانگیزهایی که در آن صرفاً زیبایی‌های طبیعی یک شهر و اماکن تاریخی آن و ویژگی‌های اجتماعی شهر توصیف می‌شود. *شهرانگیز بورسای لامع چلبی* و *شهرانگیز بورسای نازکی* در دسته سوم قرار می‌گیرند (LEVEND 1958: 14; KAYA 2010: 461; ÇETİNKAYA 2014: 231).

در کنار تقسیم‌بندی فوق، که به نظر دقیق می‌رسد، برخی محققان ترک برای شهرانگیزها دو دسته قائل‌اند: یکی شهرانگیزی که در آن شاعر فقط به آثار تاریخی شهر، مساجد، مدارس، شخصیت‌های تاریخی، ارزش‌های شهر، ییلاق‌ها و عشایر، شرایط اقلیمی، فصول سال و موضوعاتی از این دست می‌پردازد و هیچ اشاره‌ای به زیبارویان شهر نمی‌کند، مانند *شهرانگیز بورسا*، از لامعی چلبی؛ و دیگر شهرانگیزی که هدف اصلی شاعر معرفی زیبارویان شهر، به‌ویژه

۱. در ادبیات ترکی، علاوه بر شهرانگیز، محتوای چند نوع ادبی دیگر به شهر اختصاص دارد و به عبارت دقیق‌تر محوریت آنها بر مبنای «بلد» و «شهر» است. بسته به محتوا، هر کدام از این انواع ادبی، اسامی مختلفی دارند که عبارت است از: بلادیه (بلدنامه)، تعریف‌نامه، مرثیه شهر (şehir mersiyesi)، ساحل‌نامه و... بررسی ساختار و محتوای این موارد خود می‌تواند موضوع پژوهشی مفصل و جداگانه باشد.

زیبارویان صاحب مشاغل مختلف است، که در این نوع توجه به مواردی که در روش اول گفتیم بسیار ناچیز است. *شهرانگیز/درنه* در این دسته قرار می‌گیرد (Aydemir 2007: 99). بر اساس نظر اکثر پژوهشگران ترک، اولین کسی که شهرانگیز ترکی سرود، مسیحی ادرنه‌ای است که به احتمال زیاد در سال ۹۱۸ق/ ۱۵۱۲م *شهرانگیز/درنه* را به نظم کشید. البته، هم‌زمان با او، شاعری به نام ذاتی نیز شهرانگیزی به نام *شهرانگیز/درنه* سرود، اما به دلیل اینکه مسیحی شهرانگیز خود را به نام بایزید دوم (حک: ۸۵۱-۹۱۸ق/ ۱۴۸۱-۱۵۱۲م) به نظم درآورده بود، شهرانگیز او شهرت و اعتبار بیشتری یافته و عده‌ی زیادی در شهرانگیزسرای از او تقلید کرده‌اند؛ از این رو، در منابع بیشتری از شهرانگیز او یاد شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین شهرانگیزهای ترکی اشاره خواهیم کرد، اما پیش از آن ذکر این نکته ضروری است که در آسیای صغیر و در قلمرو عثمانی تاکنون ۸۴ عنوان شهرانگیز شناسایی و معرفی شده است. شاید اولین کسی که به شهرانگیزهای ترکی اشاره کرد و شش مورد از آنها را نام برد، حاجی خلیفه (۱۹۸۲: ۲/ ۱۰۶۸) در *کشف‌الظنون* باشد. او، که تعریف یا موضوع شهرانگیز را «وصف الغلمان» بیان کرده، به شهرانگیز مسیحی و تاریخ سرایش آن (۹۱۸ق) اشاره کرده و از کمالی، سلوکی، یحیی، لامعی و عاشق چلبی نیز به عنوان گویندگان/ سرایندگان شهرانگیز نام برده است. اما در دوره‌ی معاصر، پژوهشگران ادبیات ترک، در تحقیقات اولیه، ۳۲ عنوان از شهرانگیزهای ترکی را شناسایی و معرفی کردند (Delicay 1936) و لوند (Levend 1958: 17-64)، با یافتن چند شهرانگیز جدید این رقم را به ۴۴ رساند. پس از او نیز متین آک‌کوش، در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود، این رقم را به ۴۹ رساند؛ و در نهایت، باریش کاراجاسو، با جستجو در منابع متعدد، ۶۸ شهرانگیز را معرفی کرد (Kaya 2010: 462; Karacasu 2011: 260). البته برخی محققان با اضافه کردن آثاری مانند *هوس‌نامه* که صرفاً شباهت به شهرانگیز دارند، تعداد شهرانگیزهای ترکی را ۷۸ اعلام کرده‌اند، که خالی از تسامح نیست (ibid: 3074). توران (Turan 2011: 51) با جستجوهای بیشتر و اضافه کردن چند شهرانگیز دیگر، تعداد آنها را به ۸۰ شهرانگیز رساند. مراد اوزتورک^۱، در سال ۲۰۱۴، سه شهرانگیز دیگر را به این تعداد افزود و در نهایت، یونس کاپلان^۲، با پیدا کردن یک شهرانگیز دیگر با عنوان *شهرانگیز حلب*،

این رقم را به ۸۴ رساند. شاید با جستجو در منابع و لابه‌لای دیوان‌ها نمونه‌های دیگری نیز بتوان یافت.

در جدول زیر عناوین برخی از مهم‌ترین شهرانگیزهای یافت‌شده را، همراه با نام نویسنده، تاریخ سرایش و محل نگهداری نسخه — در صورتی که اطلاعی از آن در دست باشد — ذکر کرده‌ایم. برای جستجوی محل نگهداری نسخه‌ها، به فهرست‌های مختلف مراجعه شد و تا جایی که امکان داشت، حداقل یک نسخه برای هر اثر معرفی شد. توضیحات تکمیلی نیز در پاورقی آمده است. عناوینی که در این جدول آمده، در منابع ترکی بیشتری بحث را به خود اختصاص داده و برخی از آنها نیز چاپ شده‌اند (البته با حروف لاتینی). عناوینی که فقط نامی از آنها در منابع آمده و ما نتوانستیم اطلاعی بیش از این از آنها بیابیم، در این جدول نیامده است. امیدواریم در آینده بتوان با یافتن نمونه‌های بیشتر، ضمن ارائه آمار دقیق‌تر، در تحلیل محتوایی این نوع ادبی نیز با جزئیات بیشتری عمل کرد.

نام اثر	شاعر	تاریخ سرایش	محل نگهداری نسخه
شهرانگیز (در مدح جوانان) ادرنه	مسیحی ادرنه‌ای	احتمالاً ۹۱۸ق/ ۱۵۱۲م	دانشگاه استانبول، شماره 481، کتابخانه لالا اسماعیل در سلیمانیه، شماره 483 موزه بریتانیا، شماره 1152 ^۱
شهرانگیز ادرنه ^۲	ذاتی عیوض	۹۱۸ق/ ۱۵۱۲م	کتابخانه سلیمانیه، مجموعه لالاسماعیل، شماره 443 ^۳
شهرانگیز استانبول و ویژه	کاتب چورلو	۹۱۹ق/ ۱۵۱۳م	سلیمانیه، مجموعه نورعثمانیه، شماره 4086 ^۴
شهرانگیز استانبول	یحیی تاشلیجالی	احتمالاً ۹۲۲ق/ ۱۵۲۳م	دانشگاه استانبول، شماره 2982 ^۵
شهرانگیز بورسا	لامعی محمود	بعد از ۹۲۹ق/ ۱۵۲۳م	کتابخانه سلطنتی وین، شماره 671 ^۶

۱. در مورد این شهرانگیز ← İğneci 1969: Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü Mezuniyet Tezi; Mengi, 1995: 89-109.

۲. در مورد شهرانگیزهای سروده‌شده در ارتباط با ادرنه ← Kırkkılıç 1994: C. 6, S. 47, s. 94-101.

۳. دریا کاراجا این شهرانگیز را معرفی و به چاپ رسانده است ← Karaca 2018: C. 11, S. 55, s 114-136.

۴. این شهرانگیز نیز چاپ شده است ← Hasan Kaya 2015: Vol. 10 (12): 631-686.

۵. محمد چاوش اوغلو در سال ۱۹۶۹ این شهرانگیز را به چاپ رسانده است ← Çavuşoğlu 1969: C. XVII/ 73-108.

۶. این اثر همراه با مقدمه‌ای تحقیقی و سودمند چاپ شده است:

شهرانگیز بلگراد	حیرتی محمد	نامعلوم	کتابخانهٔ ملت، مجموعهٔ امیری، شمارهٔ 1534
شهرانگیز استانبول	حیرتی	نامعلوم	کتابخانهٔ ملت، مجموعهٔ امیری، شمارهٔ 124
شهرانگیز	حیرتی	نامعلوم	همان مجموعه ^۱
شهرانگیز بورسا	اسحاق قیلیچ زاده	نامعلوم	دانشگاه استانبول، شمارهٔ 2800، همانجا، شمارهٔ 2870 و شمارهٔ 3770
شهرانگیز ینجه	اصولی	نامعلوم	کتابخانهٔ ملی از میر، شمارهٔ 35/234، موزهٔ بریتانیا 7917/2 ^۲
شهرانگیز استانبول	فقیری	۱۵۳۴/ق۹۴۱م	کوپرلی، مجموعهٔ فاضل احمد، شمارهٔ ۲70 ^۳
شهرانگیز استانبول (فارسی)	صافی	۱۵۳۷/ق۹۴۴م	نورعثمانیه، 3383، دانشگاه بازل سوئیس
شهرانگیز ادرنه	کریمی فرزند محمود	۱۵۴۴/ق۹۵۱م	دانشگاه استانبول، شمارهٔ 615 ^۴
شهرانگیز حلب	سیری	قبل از ۹۵۶ق	کتابخانهٔ ملی فرانسه، شمارهٔ 280 ^۵
شهرانگیز موستار ^۶	موستارلی حاجی درویش	۱۰۴۰ق	کتابخانهٔ غازی خسروپاشا، شمارهٔ 5788 ^۷
شهرانگیز کوتاهیه	عارف	قبل از ۱۰۷۶ق	نسخهٔ شمارهٔ 419 کتابخانهٔ مرادملار در سلیمانیه ^۸

۱. دو شهرانگیز اخیر را محمد چاوش اوغلو (1976: 86-100) چاپ کرده است.
۲. در این مورد ← İsen 1988: 131-148.
۳. این شهرانگیز در سال ۲۰۱۶ با این مشخصات منتشر شده است: Gök, Taner, 2016, "Fakîrî'nin İstanbul Şehrengizi", *Çanakkale Araştırmaları Türk Yıllığı*, S. 21, s.233-282.
۴. این اثر با این مشخصات چاپ شده است: Göre, zehra, 2015, "Keriminin Edirne Şehrengizi", *Osmanlı Mirası Araştırmaları Dergisi (OMAD)*, C. 2, S. 3, Temmuz, s. 17-41.
۵. این اثر با مقدمه‌ای مفصل و عالمانه به کوشش یونس کاپلان در سال ۲۰۱۵ چاپ شده است: → Kaplan 2015, 14, ss. 67-92.
۶. نام شهری در بوسنی فعلی (Mostar).
۷. نسخه‌ای نیز در یکی از کتابخانه‌های ساریو و بوسنی (انسیتیتو اورجنتالونوم، شمارهٔ 4287) نگهداری می‌شود. این شهرانگیز دو بار چاپ شده است؛ یکبار در بوسنی و بار دیگر در ترکیه؛ → Boflkov 1970-1971: Knjiga VI, s. 173-211; Beyhan 2010: Vol. 5 Issue 3, p.p. 368-399.
۸. در مورد این شهرانگیز و متن آن ← Şahin, 2018: s. 184-212.

شهرانگیز ینی شهر	رحمی پیر محمد	نامعلوم	کتابخانه دولتی برلین (پرچ)، شماره 407
شهرانگیز بورسا	عاشق چلبی، سید پیر محمد	نامعلوم	نسخه‌ای از آن در دسترس نیست.
شهرانگیز ادرنه	تابعی و یا فیضی علی	نامعلوم	نسخه‌ای از آن در دسترس نیست.
شهرانگیز استانبول	نامشخص	دوران سلطان سلیمان (حک: ۹۲۶-۹۷۴ق)	نسخه شخصی لوند ^۱
شهرانگیز استانبول	تابعی اسماعیل	قبل از ۹۷۱ق	دانشگاه استانبول، شماره 318
شهرانگیز استانبول	نویسی	قبل از ۹۷۱ق	کتابخانه ملی پاریس، شماره 3965 ^۲
شهرانگیز استانبول	جمالی احمد	۹۷۲ق/۱۵۶۴م	دانشگاه استانبول، شماره 9263، شماره 3770 ^۳
شهرانگیز استانبول در خوبان زنان/ نگارنامه ذوق آمیز در اسلوب شهرانگیز	مصطفی عزیزی	نامعلوم	دو نسخه در دانشگاه آنتاتورک، مجموعه سیف‌الدین ازگه، یک نسخه در برلین (پرچ) شماره 8/18 ^۴
شهرانگیز مغنیسا	علوی محمد	۹۶۴ق/۱۵۸۵م	دانشگاه استانبول شماره 1532 ^۵
شهرانگیز انطاکیه	صیامی	نامعلوم	نسخه شخص لوند
شهرانگیز برای خوب‌رویان گلیپلو	علی مصطفی	قبل از ۹۷۵ق	کتابخانه بایزید، شماره 5665 ^۶
شهرانگیز بورسا	محمد چلیک‌زاده، معانی	نامعلوم	نسخه شخصی لوند ^۷
شهرانگیز ایوب ^۸ (شهرانگیز لبیبی، جوانان ابی ایوب الانصاری)	لبیبی	قرن دهم/ شانزدهم میلادی	کتابخانه سلیمانیه، مجموعه اوشاکی تکه‌سی، شماره 476 ^۹

۱. این شهرانگیز نیز همراه با مقدمه‌ای مفید چاپ شده است؛ — Çelik 2019: Vol. 5, Issue. 1, ss. 12-31.

۲. این اثر نیز منتشر شده است؛ — Karasoy ve Yavuz, 2006: S. 20: 1-20.

۳. درباره این شهرانگیز و مشخصات چاپ آن
→ Aysun Eren, 2012: Defterdâr-zâde Ahmed Cemâli'nin Metâli-i Cemâli ve Şehr-engîz-i İstanbul Adlı Eserleri (İnceleme-Metin). Yüksek Lisans Tezi. Konya: Selçuk Üniversitesi; Turan 2011: S 37, 49-76.

۴. درباره این شهرانگیز — Çetinkaya, 2014: 229-268.

۵. در این مورد — Tanrisever 1972: 25-47; Celik 2018: 223-290.

۶. در این مورد — Aksoyak 1996: III: 157-176.

۷. این شهرانگیز را متین آک‌کوش در قالب رساله کارشناسی ارشد تصحیح کرده است؛ — Akkuş 1987: 159-174.

۸. ایوب (Eyüp) نام ناحیه‌ای در استانبول

۹. در این باره — Koncu 2013: 457-473; Kaplan 2016: S. 56: 1063-1076.

شاهد معانی (شهرانگیز و جوی (لارندی) قبل از ۱۰۲۱ ق	کتابخانه سلیمانیه، شماره 3373، کتابخانه بودین ^۱
شهرانگیز برای طاش کوپرو نامعلوم قبل از ۱۰۴۹ ق	کتابخانه دولتی برلین (پرچ)، شماره 6
شهرانگیز هزلیات فهیمی قدیم ۱۰۴۲ ق/۱۶۳۱ م	دانشگاه استانبول 2932
شهرانگیز ادرنه ^۲ نشاطی احمد دده نامعلوم	دانشگاه استانبول، 545
شهرانگیز بورسا نازک عبدالله نامعلوم	دانشگاه استانبول، شماره 2914، سلیمانیه، مجموعه حاجی محمودافندی، شماره 3511
شهرانگیز جلوه رسا و آیین بلوغ اسماعیل ۱۱۱۹ ق/۱۷۰۷ م	دانشگاه استانبول، شماره 1653 ^۴
شهرانگیز بورسا بلوغ اسماعیل ۱۱۱۹ ق/۱۷۰۷ م	نسخه‌ای از آن در دسترس نیست.
لاله زار (شهرانگیز) وحید مختومی، محمد	دانشگاه استانبول، شماره 2913، سلیمانیه، مجموعه حاجی محمودافندی، شماره 3505، کتابخانه ملت، مجموعه امیری، شماره 975
دفتر عشق، خوبان نامه، زنان نامه، چنگی نامه هر چهار اثر از فاضل حسین ۱۲۰۷ ق	هر چهار اثر ابتدا در سال ۱۲۵۵ ق و سپس در سال ۱۲۸۶ به چاپ سنگی رسیدند. ^۵
شهرانگیز ادرنه یحیی بیگ نامعلوم	دانشگاه استانبول، شماره 1302
شهرانگیز استانبول همو نامعلوم	دانشگاه استانبول، شماره 2982 و شماره 1302 ^۶
شهرانگیز مغنیسا جامعی نامعلوم	کتابخانه ملت استانبول، مجموعه علی امیری، شماره 685 ^۷

۱. بودین امروزه قسمتی از بوداپست مجارستان است که در برهه‌ای از تاریخ (۹۵۲-۱۰۹۷ ق / ۱۵۴۱-۱۶۸۶ م) تحت سلطه عثمانیان بود و آثاری به ترکی در آن ناحیه باقی مانده است.
۲. این شهرانگیز در سال ۲۰۱۷ به کوشش تانر گوک (Taner Gök) در چناق قلعه (از شهرهای ترکیه) منتشر شده است؛ ← Göök 2017: yıl 15, sayı 23, ss 119-131
۳. درباره این شهرانگیز ← Kırkkılıç 1988: 44-55.
۴. این اثر نیز همراه با مقدمه‌ای در خصوص شهرانگیز منتشر شده است؛ ← Abdulkadiroğlu 1988: 129-167.
۵. در مورد سه اثر دفتر عشق، زنان نامه و چنگی نامه سه تحقیق مفصل همراه با چاپ مجدد صورت گرفته است → Kuru 2005: 476-506; Oztürk, Nebiye 2002: Zenânnâme-Enderunlu Fâzıl, Yüksek Lisans Tezi, İstanbul: İstanbul -niversitesi; Karacasu 2006: S. 27, 133-160.
۶. هر دو شهرانگیز همراه با کلیات یحیی بیگ، به کوشش محمد چاوش اوغلو، در سال ۱۹۷۷ در استانبول منتشر شده‌اند.
۷. در مورد این شهرانگیز و متن ← Tıgli 2005: 29-30.

چنان که گفتیم این شهرانگیزها، به استثنای شهرانگیز استانبول از صافی، همگی به زبان ترکی سروده شده‌اند. آن یک عنوان هم که به زبان فارسی است و در واقع ظاهراً تاکنون تنها شهرانگیز سروده شده به فارسی در آسیای صغیر است، به لحاظ ساختار و محتوا مشابه همین شهرانگیزهای ترکی است (← ادامه مقاله).

۳ شباهت‌ها و تفاوت‌های شهرانگیزها در ادبیات فارسی و ترکی

به‌طور کلی از چند جنبه می‌توان به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های شهرانگیزها در دو ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. شاید تنها نقطه مشترک این باشد که شهرانگیز/شهرآشوب در هر دو زبان به توصیف یک شهر و زیبارویان آن و نیز طبقه اصناف یک شهر و جوانان زیبارویی که صاحب شغل‌های مدتظر شاعرند، در قالب نظم (و به ندرت نثر) اختصاص دارد. اما تفاوت‌ها، به لحاظ محتوا و ساختار، بیشتر از وجوه اشتراک است. در یک بررسی تاریخی می‌توان گفت که در ادب فارسی، شهرانگیز یا شهرآشوب از قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، با شهرآشوب مسعود سعد سلمان (۴۳۸-۱۵۱۵ هـ) آغاز شده؛ اما در ادبیات ترکی اولین شاعر شهرانگیزگو مسیحی ادرنه‌ای است، که احتمالاً در ۹۱۸ ق منظومه خود را سروده است. همچنین، به لحاظ قالب، در ادبیات ترکی تنها قالب مورد پسند برای این نوع ادبی مثنوی است (و در حد یک یا دو عنوان، رباعی)، ولی در ادب فارسی تنوع قالب‌ها در این نوع ادبی دیده می‌شود و از مثنوی و غزل و قطعه گرفته تا ترکیب‌بند و رباعی را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر، شهرانگیزها در ادبیات ترکی از قاعده و طرح مشخصی پیروی می‌کنند؛ به عبارت دیگر، شهرانگیزها در زبان ترکی ساختار مشخص تری دارند. توحید، مناجات، سبب تألیف و مدح سلطان یا پادشاهی که اثر در دوره او سروده شده، در اکثر قریب به اتفاق شهرانگیزهای ترکی دیده می‌شود؛ اما در ادبیات فارسی این ساختار در کمتر شهرانگیز/شهرآشوبی مشاهده شده است. شاعران ترک‌زبان، استقلال این نوع ادبی را حفظ کرده‌اند، با این توضیح که معمولاً در ادبیات ترک، شهرانگیز یک اثر مستقل محسوب می‌شود و شاعری که شهرانگیز سروده، حتی اگر آن را در

دیوانش هم بگنجانند، مستقل از سایر اشعار دیوانش بررسی می‌شود و جزو اشعار دیوان به حساب نمی‌آید؛ اما در زبان فارسی، این استقلال جز در موارد معدودی همچون مجمع‌الاصناف لسانی شیرازی دیده نمی‌شود. شعراء اشعار با محتوای شهرآشوب یا شهرانگیز را اغلب در لابه‌لای دواوین خود آورده‌اند و می‌توان گفت این نوع ادبی در بین شعرای فارسی‌گو لزوماً اثر مستقلی از یک شاعر به حساب نمی‌آید. به لحاظ تعداد هم تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در ادبیات ترکی از قرن دهم به این سو، بیش از هشتاد اثر شناسایی شده، ولی در ادبیات فارسی از قرن پنجم تا قرن دوازدهم (بر اساس فهرستی که گلچین معانی تنظیم کرده است) حدوداً ۵۰ اثر شناسایی و معرفی شده است. این تعداد شامل شهرآشوب‌های نوشته/سروده شده در شبه‌قاره هم می‌شود (نیز در این باره ← Çelîk 2019: 14؛ KARAIŞMAILIĞLU 1988: 57؛ ÇETINKAYA 2014: 230-231). برخی محققان ترک (از جمله ← Çelîk 2019: 14) نیز، به دلیل وجود هجو در برخی شهرآشوب‌های فارسی، به‌طور کلی بین شهرانگیزهای ترکی و شهرآشوب‌های فارسی تفاوت اساسی قائل‌اند و این دو را کاملاً مقوله‌ای جدا از هم می‌دانند.

۴ شهرانگیز استانبول

این شهرانگیز، که تاکنون تنها شهرانگیز شناخته‌شده به زبان فارسی در آسیای صغیر است، سروده شاعری به نام صافی است. او در چند جای اثر به اسم خود اشاره کرده است؛ از جمله این بیت در انتهای منظومه:

روی دل کن با اله الکافی تا شوی اسم و مسما صافی

در لابه‌لای منظومه نیز شاعر به اسم خودش اشاره کرده است (برای نمونه، نک: ۵۱پ). در چند بیت نیز خودش را «صافیا» خطاب کرده است (← گ ۲۸پ، ۳۲، ۵۴). تا جایی که نگارندگان جستجو کردند، از این شاعر اطلاع زیادی در دست نیست و در تذکره‌ها و منابع مرتبط نیز نامی از او یافت نشد. شاعری به اسم امین‌الدین محمد صافی سبزواری، سراینده منظومه بهرام و گندام را می‌شناسیم، اما قرینه‌ای وجود ندارد که این دو شاعر را یکی بدانیم. به گمان لوند، احتمالاً صافی با ایرانی خواندن خود قصد منفعت‌طلبی داشته است

(LEVEND 1958: 33). ظاهراً برخی این نظر را می‌پذیرند و در ایرانی بودن صافی تردید دارند
(← Glünz 1986: 140).

با توجه به بیتی از شاعر در ابتدای منظومه، ایرانی بودن شاعر را می‌توان اثبات کرد، اما پنهان کردن هویتش نظریه‌ای مردود است. شاعر صراحتاً می‌گوید:

گاهی از فارس سخن می‌گفتم یعنی احوال وطن می‌گفتم

(گ ۸ پ)

اگر منظور شاعر از فارس همان نواحی جنوبی ایران باشد — که احتمالش زیاد است — بنابراین، بر اساس این بیت، ضمن اثبات ایرانی بودن شاعر، سبزواری بودن او رد می‌شود. شاعر، بنا به تصریح خودش، این منظومه را در سال ۹۴۴ق، در قسطنطنیه و در مدت دو تا سه روز سروده است:

ختم این نامه جان و دل سوز نه به یک ماه شد اندر دو سه روز
بود در بلده قسطنطنیه سال چار و چهل و تسعمئه

(گ ۵۵ ر)

شاعر سبب تألیف یا سرایش را رؤیایی ذکر می‌کند که در آن در جمعی نشسته بود که «اهل دلی»، او را تشویق به گفتن شعری در وصف «استنبول و سگانش» می‌کند و شاعر نیز، بنا به پیشنهاد آن شخص، در رؤیا اقدام به سرودن این شهرانگیز می‌کند (گ ۸ - ۸ پ). این منظومه که حدوداً ۱۳۰۰ بیت دارد، به نوعی شهرانگیز دو شهر است: استانبول و ایوب^۱. شاعر بعد از اینکه از وصف شهر استانبول فارغ می‌شود، با قید عبارت «خاتمه استنبول»، به طور مختصر (در حد دو برگ) به وصف زیبارویان شهر ایوب می‌پردازد (← برگ ۵۲ پ - ۵۴ ر). در میان ابیات مربوط به وصف شهر ایوب دو بیت نیز به وصف غلظه^۲ اختصاص دارد.

نکته‌ای که بهتر است در اینجا به آن اشاره شود، بحثی است که صافی، پیش از مناجات، ذیل عنوان «مذمت صوفیان زراق»، در قالب بیست بیت مطرح کرده و در آن، به نکوهش

۱. Eyüp؛ هم‌اکنون نام منطقه‌ای است در استان استانبول.

۲. نام منطقه‌ای در ترکیه که در زبان فارسی به صورت گالاتا (Galata) تلفظ و نوشته می‌شود. این منطقه در سواحل شمالی خلیج شاخ طلایی نزدیک استانبول واقع است.

صوفیان ریایی و کسانی پرداخته که احتمالاً از او یا شعرایی همچون او، به دلیل مدح جوانان در قالب اشعاری چون شهرانگیز، انتقاد کرده‌اند. البته در برخی شهرانگیزهای ترکی نیز چنین بحثی دیده می‌شود و ظاهراً بین سرایندگان شهرانگیز و مدعیان عرفان و تصوف تقابلی بوده است. صافی به عرفا و صوفیان القاب و صفاتی چون «بی‌صفا»، «سفیه»، «سیه‌دل»، «خارج از دایره انسان»، «دون»، «ابله»، «نادان» و... داده، که نشان می‌دهد شاعر، به احتمال زیاد، از طرف این قشر به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است (گ ۵۳ - پ ۵۴).

۴-۱ ساختار شهرانگیز استانبول

اثر با نثری کوتاه و ساده آغاز می‌شود. این شهرانگیز از معدود شهرانگیزهایی است که دارای مقدمه‌ای منثور است. اغلب شهرانگیزها، به‌ویژه شهرانگیزهای ترکی صرفاً منظوم‌اند و به‌ندرت شهرانگیزهایی یافت می‌شوند که در متن آنها مطالبی به نثر هم دیده شود، مثل شهرانگیز ینیجه از اصولی و شهرانگیز بغداد از اسیری که به مانند شهرانگیز استانبول سروده صافی، در کنار متن منظوم، مطالبی به نثر هم دیده می‌شود.

اثر به سلطان سلیمان (حک: ۹۲۶-۹۷۴ق) اهدا شده و بعد از اتمام مقدمه منثور، قصیده‌ای ۲۵ بیتی در مدح او سروده شده است (گ ۲ - پ ۳).

پس از مقدمه منثور و قصیده مدحیه، مثنوی با دو مناجات و نعت پیامبر^ص و خلفای راشدین و امام حسن و امام حسین^ع آغاز می‌شود. پس از آن، شاعر به بیان سبب تألیف پرداخته و «صفت شهر استنبول» را با مدح سلطان سلیمان، این بار در قالب مثنوی و در ۳۱ بیت، آغاز می‌کند. صفت امرا، لشکر، وزرا، مدح لطفی پاشا، محمدپاشا، خیرالدین پاشا، قاضی عسکر روم ایلی، قاضی عسکر آناتولی، مدح نشانجی پاشا، دفتردار، آغای خزینه‌دارباشی، صفت ینگی‌چریان^۱، احمدآغا، مصطفی چلبی، صفت سرای پادشاهی، صفت دیوان‌خانه، صفت ایاصوفیه، صفت ثمانیه، صفت دانشمندان ثمانیه، جوان دانشمند، شیخ‌زاده، قاضی‌زاده، امیرزاده، امام‌زاده، مؤذن‌زاده، حافظ‌زاده، جوانان مکتب، حکیم‌زاده، عطارزاده، قنادزاده،

۱. ینگی‌چریان یا ینی‌چری، به معنی «چریک نو»، واحدهایی از ارتش امپراتوری عثمانی بودند.

کشفی زاده، کاتب زاده، عجم زاده کاتب، جوانان مجلّد، جوان مجلّد، شاگرد یار احمد مجلّد، شکری بالی معجون، جوان آشپز، جوان نانبا زاده، جوان بقال، کمانگر زاده، تیرگر زاده، شمشیرگر زاده، قصه خوان زاده، قصاب زاده، رئیس زاده، چاوش زاده، کبوتر باز، شانه گر زاده، زرگر زاده، بستانجی زاده، وزنه لی احمد، شیطان زاده، علی حقه دهن، جوان قرمان^۱ بازار، سوباشی زاده، جوان سوخته، حسن بالی میان بسته، حسن بالی صراف، سلیمان بالی، وزنه لو احمد حسن، صفت میدان سلطان بایزید، ضیایی، قیطاس بالی، سپاهی پسران، صفت آت میدان، خواننده، صفت روز عید، نکاحی چی، آلتون باشی، احمد زرگر، ذی النون بالی، در مدح دو برادر زرگر، صفت مهمان خانه دو برادران، قاسم نقاش زاده عجم، جوان بواب، کاتب، صفت عمارت علی پاشا، حسن بالی بربر، مدح فیضی کاردگر، جوان مرغ فروش، صفت بازار علی پاشا، صفت اهل بازار، پیری خیمه دوز، حسن و قاسم طاقیه دوز، صفت بازار کفش دوزان، ممی نعلچه گر، جوان شکر فروش، جوان جامه فروش، جوان صراف، جوان سیم کش، جوان کاردگر، جوان زرگر، جوان خیاط، جوان نمدمال، جوان شیشه گر، قاسم معجون، جوان آهنگر، احمد بالی مؤذن، جوان ترسابچه، جوان کاردگر، سقازاده، معمار زاده، جوان سراج، جوان دلاک، جوان فصّاد، جوان بربر، جوان سننوسه ای، صفت بازار دراز و جوان سیم بر از عناوین اصلی این شهرانگیز است، که برخی از آنها در برگ های دیگر تکرار شده است. در قسمت مربوط به شهر ایوب نیز این عناوین آمده: صفت کشتی ها، صفت غلطه، صفت ایوب، صفت جوانان ایوب، مذمت صوفیان زراق و مناجات به عنوان خاتمه شهرانگیز.

به جز قصیده مدحیه (گ اپ - ۲) و نیز غزلی که در اواسط منظومه (گ ۲۱ - ۲۲) آمده، بقیه متن شهرانگیز در قالب مثنوی و در بحر رمل مسدس مخبون سروده شده است (فاعلاتن فعلاتن فعلن).

۲-۴ نسخ شهرانگیز استانبول

از این شهرانگیز تاکنون دو نسخه شناسایی شده است. یکی از آنها نسخه ای است که در

۱. Karaman؛ نام شهری است در ترکیه و احتمالاً نام بازاری در استانبول نیز بوده که شاعر بدان اشاره کرده است.

کتابخانه نورعثمانیه^۱ به شماره ۳۳۸۳ نگهداری می‌شود. در این نسخه که به خط نستعلیق کتابت شده، نام کاتب و تاریخ کتابت ذکر نشده، ولی خط نسخه واضح است که مربوط به سده دهم هجری است. در برگ ابتدایی نسخه نوشته شده که نسخه وقف سلطان عثمان خان بن مصطفی خان است و مهر همین سلطان و نیز حاج ابراهیم مفتش اوقاف حرمین شریفین در برگ ۲ دیده می‌شود. عناوین به سنگرف و زر، مجدول به لاجورد، و ابیات در دو ستون جدول بندی شده است. نسخه ۵۵ برگ با ابعاد ۱۱/۷ در ۲۰/۷ سانتی‌متر دارد؛ همچنین ابعاد متن ۶/۷ در ۱۳ سانتی‌متر است (← حسینی ۱۳۹۴: ۲۹۱).

نسخه دیگر، به شماره M VI 239، در دانشگاه بازل سوئیس محفوظ است، که ظاهراً ناقص است (Glünz 1986: 136) و جز این، هیچ اطلاع دیگری از این دست‌نویس نداریم. مقاله حاضر نیز بر اساس دست‌نویس نورعثمانیه معرفی شده است.

۳-۴ سبک شهرانگیز استانبول

نثری که در برگ آغازین شهرانگیز آمده، ساده و عاری از تکلف است. صافی سعی کرده، با استفاده از جناس و نیز جملات مسجع، نثری زیبا ارائه دهد که با توجه به موضوع اثر و اینکه معمولاً در چنین آثاری این نوع هنرنمایی‌ها به ندرت به چشم می‌خورد، می‌توان وی را در این زمینه موفق دانست. قصیده مدحیه‌اش در ابتدای شهرانگیز قصیده‌ای متوسط و مانند اغلب اشعار فارسی این دوره در آسیای صغیر چندان قابل اعتنا نیست. اما متن اصلی، یعنی شهرانگیز استانبول، در نوع خود جالب توجه است. در این شهرانگیز نیز، همچون اغلب شهرانگیزها و شهرآشوب‌ها، شاعر در به کار بردن اصطلاحات خاص مربوط به اصناف در شعر هیچ محدودیتی نداشته و اغلب مشاغل را نام برده است؛ حتی وصف شهر و نیز توصیف برخی شخصیت‌های استانبول (عمدتاً شخصیت‌های سیاسی) را به زیبایی بیان کرده، و در این زمینه می‌توان این شهرانگیز را از شهرانگیزهای ارزشمند به لحاظ هنری قلمداد کرد. در اینجا، برای نمونه، ابیاتی از آن را نقل می‌کنیم:

۱. نسخ این مجموعه هم‌اکنون در کتابخانه سلیمانیه نگهداری می‌شود.

آن ایاصوفیه جنت طرح که برون است صفاتش از شرح
 کعبه‌سان واضح و مشهور بود ثانی خانه معمور بود
 کس عمارت به چنان وضع و نشان نشنیدست و ندیدست عیان
 محترم کرده خدایش چو حرم زینتش داده چو بستان ارم
 اغلبا مسکن طاعت بوده دایما جای عبادت بوده
 آن عمارت که سماء دهم است اندران سبع سموات گم است
 دو منارارش که مقام ملک‌اند گوییا هر دو ستون فلک‌اند...
 سنگش از مرمر و از عنبر خشت زعفران ارض به مانند بهشت...
 طاق آن خانه که محراب دل است به در خلد برین متصل است
 چار رکنش که به هم متصل‌اند کعبه‌سان قبله ارباب دل‌اند
 جامعی بهتر از آن جایی نیست همچو آن هیچ مصلائی نیست

(گ ۱۶ پ)

نمونه‌ای دیگر که در وصف یکی از جوانان اصناف، یعنی جوان کاتب، سروده شده است:

یوسف حسنی و گل پیرهنی لاله سیمایی او [غنچه دهنی
 سرور تنگ‌قبایان جهان دلبر صف‌شکن کج کلهان...
 خود بود کاتب و بابش سرآج صفحش کعبه بود خطش حاج
 زلف او کج شده چون حلقه جیم دهنش تنگ‌تر از چشمه میم
 نیست در کشور خوبی چون او نازک و خوب و ملیح و نیکو
 کاکل پرشکنش هر که ندید خوش نسیمی به مشامش نرسید...
 صفت خوبی آن ماه نکو ما چه گوئیم که بی مثل است او

(گ ۳۹ پ)

از دیگر وجوه اهمیت این شهرانگیز آن است که به برخی از آداب و رسوم اجتماعی عصر شاعر اشاره کرده است. برای مثال در جایی به رسم بستن شال یا سربند سیاه بر سر هنگام مرگ یکی از وابستگان نزدیک اشاره شده، که ظاهراً در آن خطه امری مرسوم بوده است:

زان سهی قامت رخساره چو ماه عجم شد که به سر داشت سیاه
 کردم از ساکن آن کوچه سؤال گفت این دلبر خورشید مثال
 هست سلطان جهان را چاووش پدرش رفته ازین عالم دوش

(گ ۲۷ پ)

۵ نتیجه‌گیری

آنچه در مورد شهرانگیز استانبول اهمیت دارد و آن را از سایر شهرانگیزها متمایز کرده، زبان آن است. چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، شهرانگیز استانبول سروده صافی تنها شهرانگیز شناخته‌شده به زبان فارسی در آسیای صغیر است^۱. شهرانگیزهای موجود در آن قلمرو اغلب به زبان ترکی سروده شده‌اند؛ و اکثر محققانی که شهرانگیزهای موجود در آن ناحیه را فهرست کرده‌اند، به این موضوع اشاره کرده‌اند که شهرانگیز استانبول صافی تنها شهرانگیز فارسی در میان آنهاست (← KARACASU 2007: 279; LEVEND 1958: 33-34).^۲ با این حال صافی در سرودن شهرانگیز استانبول از ساختار شهرانگیزهای ترکی تبعیت کرده و اثر او به لحاظ ساختار و محتوا تازگی خاصی ندارد. اصلی‌ترین ابتکار و خلاقیت صافی همان تغییر در زبان اثر است.

منابع

ایمانی، بهروز (۱۳۸۹)، «مجمع‌الرباعیات، کهن‌ترین رباعی‌نامه فارسی»، *اوراق عتیق*، دفتر اول، به کوشش سیدمحمدحسین حکیم، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱. ناگفته نماند، منظور از اینکه گفته می‌شود شهرانگیز استانبول از صافی، تنها شهرانگیز سروده‌شده به فارسی است، به لحاظ تشابه ساختار آن با شهرانگیزهای ترکی است که از قرن دهم اولین نمونه‌های آن شناخته شده و ظاهراً از آن زمان رواج داشته است. چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم شهر آشوب در زبان فارسی و در ایران از دوره مسعود سعد سلمان رواج داشته و نمونه‌هایی از آن در منابع مختلف (از جمله شهر آشوب در شعر فارسی، اثر ارزشمند مرحوم گلچین معانی) آمده است. در همان اعصار (دوره سلجوقیان) رباعیاتی شهر آشوبی در آسیای صغیر وجود داشته که به لحاظ ساختار به شهر آشوب‌های فارسی شبیه‌تر است تا شهرانگیزهای ترکی. این رباعیات به وسیله ابوحنیفه عبدالکریم بن ابی‌بکر بین سال‌های ۵۸۴ تا ۶۰۰ گردآوری شده، ولی متأسفانه ناقص است و حدود ۵۰ رباعی از آن باقی مانده است. از مقدمه گردآورنده معلوم می‌شود حدود بیست شغل را در این رباعیات وصف کرده است. این رباعیات با عنوان *مجمع‌الرباعیات* (نسخه شماره ۲۳۸ کتابخانه حالت‌افندی) در انگوریه (آنقره/ آنکارا) گردآوری شده و به نوعی قدیم‌ترین مجموعه رباعیات باقی‌مانده به زبان فارسی است. این نسخه، که در قرن هشتم کتابت شده، به کوشش بهروز ایمانی همراه با مقدمه‌ای عالمانه در دفتر اول مجموعه *اوراق عتیق* در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است (ایمانی ۱۳۸۹: ۳۳-۴۱). عکس رباعیات نیز به انضمام آن به چاپ رسیده است (← همان: ۴۶-۵۳).

۲. استاد محمد امین ریاحی، که یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها را درباره حضور و نفوذ زبان و ادب فارسی در آسیای صغیر انجام داده‌اند (← ریاحی ۱۳۹۰)، هیچ بحثی در مورد شهرانگیزها نکرده‌اند. شاید اصلی‌ترین دلیل آن همین نبود شهرانگیز فارسی در آن سرزمین بوده و شهرانگیز استانبول سروده صافی هم در آن زمان هنوز برای ایشان شناخته‌شده نبوده است.

- براون، ادوارد (۱۳۲۹)، *تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر*، ج ۴، ترجمه رشید یاسمی، تهران: جاویدان.
- برناردینی، میکله (۱۳۸۶)، «تیموری‌گرایی عثمانی: لامعی چلبی و شهرانگیز بورسای او»، *تاریخ پیوستگی‌های فرهنگ ایران با فرهنگ زبان‌های ترکی*، در سده‌های ۱۱-۱۷، به کوشش او ام. ژرمیاس، ترجمه عباسقلی غفاری‌فرد، تهران: امیرکبیر.
- حاجی خلیفه (۱۹۸۲)، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت: دارالفکر.
- حسینی، محمدتقی (۱۳۹۴)، *فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه نورعثمانیه (استانبول)*، تهران: بنیاد شکوهی.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۹۰)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: اطلاعات.
- سام میرزا صفوی (۱۳۸۴)، *تذکره تحفه سامی*، تصحیح و مقدمه رکن‌الدین همایون‌فرخ، تهران: اساطیر.
- سیدعبدالله (۱۹۶۸)، *مباحث*، دهلی: کتابخانه نذیری، مسلم منزل کهاری بولی.
- شفیع‌یون، سعید (۱۳۹۴)، «درنگی بر چند گونه هم‌سنگ؛ کارنامه، شهرآشوب، اشعار صنفی و شهرانگیز»، *فصلنامه نقد ادبی*، سال ۸، شماره ۳۰، تابستان، ص ۸۱ - ۱۱۷.
- صافی، شهرانگیز، *استانبول*، نسخه خطی شماره 3383 کتابخانه نورعثمانیه (ترکیه).
- قره‌خان، عبدالقادر (۱۳۵۴)، «انواع ادبی مشترک در ادبیات باستانی ایران و ترک»، *مجله/رمغان*، دوره ۴۴، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۶۶۷-۶۷۴.
- مقام حسین جعفری (۱۹۷۶م)، «شهرآشوب»، *سه‌ماهی اردو*، جلد ۵۲، شماره ۲، کراچی، ص ۸۷-۱۳۱.
- کیوانی، مهدی (۱۳۹۲)، *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.
- گلچین‌معانی، احمد (۱۳۸۰)، *شهرآشوب در شعر فارسی (تحریر ثانی)*، به کوشش پرویز گلچین‌معانی، تهران: روایت.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۵؛ تاریخ مقدمه)، *سبک خراسانی در شعر فارسی*، تهران: فردوس و جامی.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۹۰)، *دیوان*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد مهیار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهیار، محمد (۱۳۹۰)، «سال‌شمار روزگار مسعود سعد»، *دیوان مسعود سعد سلمان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

میرزایف، عبدالغنی (۱۳۹۰)، گنج سر به مهر: سیدا و مقام او در تاریخ ادبیات تاجیک، ترجمه شهین دخت صانعی، تهران: رابعه.
نصرتی سیاهمزیگی، علی (۱۳۸۶)، «شهر آشوب»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۳، بهار، ص ۲۸ - ۳۳.

- Abdulkadiroğlu, Abdülkerim (1988), “Şehrengizler Üzerine Düşünceler ve Belîğ’in Bursa Şehrengizi”, *Türk Kültürü Araştırmaları: Prof. Dr. Şerif Başstav’a Armağan*, Ankara: s. 129-167.
- Akkuş, Metin (1987), *Türk Edebiyatında Şehr-engizler ve Bursa Şehr-engizleri*, Atatürk Üniversitesi, Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü, Basılmamış Yüksek Lisans Tezi, Erzurum.
- Aksoyak, İ. Hakkı (1996), “Gelibolulu Mustafa Âlî’nin Gelibolu Şehrengizi”, *Türklük Bilimi Araştırmaları* III: s. 157-176.
- Aydemir, Yaşar (2007), “Ravzî’nin Edincik Şehrengizi”, *Gazi Türkiyat: Türklük Bilimi Araştırmaları Dergisi*, Güz 2007. S. 1, s. 97-126.
- Aysun EREN (2012), *Defterdâr-zâde Ahmed Cemâli’nin Metâli’-i Cemâli ve Şehr-engîz-i İstanbul Adlı Eserleri (İnceleme-Metin)*, Yüksek Lisans Tezi, Konya: Selçuk Üniversitesi.
- Beyhan Kesik (2010), “Yeni bir Nushadan Hareketle Hacı Dervîş’in Mostar Şehrengizi”, *Journal of Turkish Studies*, Volume 5 Issue 3, s. 368-399.
- Boflkov, Vanço (1970-1971), “Şehr-engiz u Turskoj Knjizevnosti i Sehr-engiz o Mostaru”, *Radovi, Knjiga VI*, s. 173-211.
- Çalış, Bahar Deniz (2004), *Idea and Real Spaces of Ottoman Imagination: Ontinuity and Change in Ottoman Rituals of Poetry*, (Istanbul, s. 1453-1730), A Thesis Submitted to the Graduate School of Natural and Applied Sciences of Middle East Technical University.
- _____ (2016), *Şehrengiz, Urban Rituals and Deviant Sufi Mysticism in Ottoman Istanbul*, London, Routledge.
- Çavuşoğlu, Mehmed (1969), “Taşlıcalı Dukakin-zâde Yahyâ Bey’in İstanbul Şehr-engizi”, *Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi* (XVII): s. 73-108.
- Çelik, Aysun (2013), “Defterdâr-zâde Ahmed Cemâli’nin ‘Metâli’-i Cemâli’ ve ‘Şehr-engîz-i İstanbul’ Adlı Eserleri”, *Turkish Studies-International Periodical For The Languages, Literature and History of Turkish or Turkic* Volume 8/13 Fall, s. 671-704.
- Çelik, Busra (2019), “Muellifi Bilinmeyen bir İstanbul Şehrengizi”, *Journal of Turkish Language and Literature* Volume:5, Issue:1, s. 12-31.
- _____ (2018), “Derzi-zade Ulvi ve Manisa Şehrengizi”, *Türk Kültürü İncelemeleri Dergisi* 39, İstanbul 2018, s. 223-290.

- ÇİTİNKAYA, Ülkü (2014), "Bir Kadın Şehrengizi: Azîzî'nin İstanbul Şehrengizi", *Ankara Üniversitesi Dil ve Arif-Coğrafya Fakültesi Dergisi*, S. 54, s. 229-68.
- ÇİFÇİ, Hasan (2002), "Fars Edebiyatında Şehrâşûb I' Nüsha: Şarkiyat Araştırmaları Dergisi, S. 7: s. 8-18.
- DELİÇAY, Mustafa. İzzet (1936), "Türk Edebiyatında Şehrengizler", İstanbul Üniversitesi Türk Dili ve Edebiyatı ölümlü asılmamış Mezuniyet Tezi.
- GIBB, E.J, W (1902), *a History of ottoman Poetry*, London.
- GLÜNZ, Michael (1986), "Sfs Şahrangz: ein persisches Matnaw über die schönen Berufsleute von Istanbul", *Asiatische Studien*, 40, p 133-145.
- GÜLHAN, Abdülkerim (2012), "Şehrengiz Türü ve Ravzî'nin Edincik Şehrengizleri", *Turkish Studies-International Periodical For The Languages,Literature and History of Turkish or Turkic*, Volume 7/2, Spring, s. 515-45.
- GÖK, Taner (2017), "On Altıncı Asırda Bir Şehir Övgüsü: Budin", *Çanakkale Araştırmaları, Turkyilligi*, yıl 15, sayı 23, s 119-131.
- _____ (2016), "Fakîrî'nin İstanbul Şehrengizi", *Çanakkale Araştırmaları Türk Yıllığı*, S. 21: s. 233-282.
- GÖRE, Zehra (2015), "Keriminin Edime Şehrengizi", *Osmanlı Mirası Araştırmaları Dergisi (OMAD)*, Cilt 2, Sayı 3, Temmuz, s. 17-41.
- HASAN KAYA (2015), "Kâtib Davud'un İstanbul ve Vize Şehrengizi", *Turkish Studies*, Volume 10 (12): 631-686.
- İĞNECİ, Eşref (1969), *Mesihî'nin Kasideleri ve Şehr-engizi*, Ankara Üniversitesi DTCF Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü Mezuniyet Tezi.
- İSEN, Mustafa (1988), "Usûlî'nin Yenice Şehrengizi", *Türk Kültürü Araştırmaları*, (Mehmed Kaplan için), s. 131-148.
- _____, ve Hamit Bilen Burmaoğlu (1978), "Bursa Şehr-engizi (Lami'î Çelebi)", *Türklük Araştırmaları, Dergisi* 3: 57-105.
- KAPLAN, Yunus (2015), "Seyrî ve Halep Şehrengizi", *Divan Edebiyatı Araştırmaları, Dergisi* 14, İstanbul 2015, 67-92.
- _____ (2016), "Lebîbî ve Eyüp Şehrengizi", *Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, Dergisi*, S. 56: s. 1063-1076.
- KARACA, Darya (2018), "Zâtî'nin Edime Şehrengizi", *Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi*, Cilt 11, sayı 55, s. 114-136.
- KARACASU, Barış (2007), "Türk Edebiyatında Şehrengizler", *Türkiye Araştırmaları Literatür, Dergisi*, C. 5, s. 10, s. 259-313.

- _____ (2006), “‘Bize çengileri kıl rûşen ü pak’ ya da ‘Hayra hezlin dahi bir rehberi var’”, *Osmanlı Araştırmaları Dergisi*, (Prof. Dr. Mehmed Çavuşoğlu’na Armağan III), S. 27: 133-160.
- KARAIMAİLOĞULLARI, Adnan (1988), “Türk ve Fars Edebiyatlarında Şehrengizler”, *Milli Kültür*, s. 55-59.
- KARASOY, Yakup ve Orhan YAVUZ (2006), “Nüvisî ve ‘Şehrengiz-i İstanbul’u”, *SÜ Türkiyat Araştırmaları*, Dergisi, S. 20: s. 1-20.
- KAYA, Bayram Ali (2010), “Şehrengiz”, *İslam Ansiklopedisi*, C. 38, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yay. s. 461-462.
- KIRKILCI, Ahmet (1994), “Edime Şehrengizleri ve Şairleri”, *Yedi İklim Kültür Edebiyat Dergisi* (Edime Özel Sayısı), C. 6, s. 47, İstanbul: s. 94-101.
- _____ (1988), “Şehrengizler, Edime Şehrengizleri ve Neşatî’nin Edime Şehrengizi”, *Edirne İl Halk Kütüphanesi Bülteni*, s. 44-55.
- KONCU, Hanife (2013), “Bir Eyüp Şehrengizi: Şehrengiz-i Lebîbî Cüvânân-ı Ebî Eyyüb-ı Ensârî”, *Ahmet Atillâ Şentürk Armağanı*, ed. Ahmet Kartal-Mehmet Mahir Tulum, İstanbul: Akademik Kitaplar.
- KURU, Selim Sırrı (2005), “Lâmi’i Çelebi’nin Gözüyle Bursa”, *Osman Gazi ve Bursa Sempozyumu Bildiri Kitabı*, Haz. Cafer Çiftçi, Bursa: Osmangazi Belediyesi, s. 111-139.
- _____ (2005), “Biçimin Kıskacında Bir ‘Tarih-i Nev-icad’: Enderunlu Fazıl Bey ve Defter-i Aşk Adlı Mesnevisi”, *A Festschrift For Şinasi Tekin*, Haz. Günay Kut-Fatma Büyükkarcı Yılmaz, İstanbul: Simurg Yay, s. 476-506.
- LEVENLİ, Ağâh Sırrı (1958), *Türk Edebiyatında Şehr-engizler ve Şehr-engizlerde İstanbul*, İstanbul: İstanbul Fetih Demeği, İstanbul Enstitüsü Yay.
- MENÇİ, Mine (1995), “Mesihî Divanı”, Ankara: Atatürk Kültür, Dil ve Tarih Yüksek Kurumu Atatürk Kültür Merkezi Yayını, s. 89-109.
- ÖZÜRÜK, Murat (2014), “Maksadî’nin Yenice ve İştîp (İştîb) Şehrengizleri”, *Mustafa Kemal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, C. 11, Sayı 25, s. 51-80.
- ÖZÜRÜK, Nebiye (2002), *Zenânnâme-Enderunlu Fâzıl*, Yüksek Lisans Tezi, İstanbul: İstanbul-niversitesi.
- PERISCH, Wilhelm (1889), *Die Handschriften-Verzeichnisse Der Königlichen Bibliothek Zu Berlin (Sechster Band, erzeichniss Der Türkischen Handschriften Von Wilhelm Pertsch)*, Berlin: A. Ascher & Co.
- ŞAHİN, Ebubekir (2018), “Ârifin Kutahya Şehrengizi”, *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Türkoloji*, Dergisi 22, 1, s. 184-212.
- TANRISEVER, Mustafa (1972), “şehr-engiz-i Ulvî Çelebi (Manisa Şehrengizi)”, *Bitirme Tezi*, Ankara: Ankara niversitesi DTCF Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü, (Danışman: Hasibe Mazioğlu), s. 25-47.

- Tiçli, Fatih (2005), "Klasik Türk Edebiyatında fiehregizler ve Cam'i'nin Manisa fiehregizi", *Manisa fiehri Bilgi fiölenu*, Kültür Spor Kültübü (düz.), Celal Bayar Üniversitesi, Manisa: s. 29-30.
- _____ (2007), "Klâsik Türk Edebiyatında Şehregiz Çalışmaları Hakkında Bibliyografya Denemesi", *Turkish Studies International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, Volume 2/4, s. 63-70.
- TURAN, Lokman (2011), "Defterdâr-zâde Ahmed Cemâlî'nin Siroz Şehregîzi", *Osmanlı Araştırmaları The Journal Of Ottoman Studies*, Türkiye Diyanet Vakfı Kütüphanesi, İslam Araştırmaları Merkezi, İstanbul: S. XXXVII, s. 49-76.
- TEZCAN NURAN (2001), "Guzele bir Sehregizden bakis", *Türkoloji Dergisi*, 14 (1) s, 161-194.
- _____ (2016), *Divan Edebiyatına Yeniden Bakış*, İstanbul: Yapı Kredi Yay.
- TURAN, Lokman (2011), "Defterdâr-zâde Ahmed Cemâlî'nin Siroz Şehregîzi", *Osmanlı Arastirmali*, sayi 37, s. 49-76.
- YURISEVER, Murat (1987), "Lami'i Çelebi'nin Bursa Şehregizi'nde Mekân Tasvirleri", *Uludağ Üniversitesi İlahiyat Fakültesi*, Dergisi 2: 2 , s. 243-252.

